حنایی‌در آستانه اعدام

کالبد شکافی یک پرونده

رویا کریمی‌مجد

نیمه دوم فروردین ماه ۱۳۸۰، هنوز آثار برگزاری مراسم سوگواری سیدالشهدا اباعبدالله‌الحسین (ع)در گوشه و کنار شهرها دیده می شد که مطبوعات خبر قتل ۱۱ زن را در مشهد اعلام کردند. از نیمه دوم سال ۷۹ تا آن زمان ۱۱ زن در مشهد به شیوه یکسانی به قتل رسیده بودند اما برای اولین بار گروه ویژه‌ای زیر نظر ستاد رسیدگی به جرایم خاص و با هدایت رئیس شعبه ویژه قتل عمد دادگاه های عمومی مشهد کار شناسایی عوامل قتل ها را برعهده گرفت.

قاضی منصوری که دهمین سالی بود که جامه قضاوت را برتن کرده بود، با اطلاع رسانی از طریق مطبوعات، تلاش می کرد تا امکانات بیشتری را برای پیگیری این قاتل حرفه‌ای در اختیار گیرد. او بعدها تأکید کرد که پیش از طرح قتل ها در مطبوعات، کمترین هماهنگی و پیگیری در مورد دستگیری قاتل زنان صورت نگرفته بود. قاضی منصوری اولین قاضی بود که پس از شنیدن سخنان مبهم دایره تشخیص هویت مبنی بر این که چندین زن با یک شیوه به قتل رسیده‌اند، این سخنان را پیگیری کرد و پی برد که لااقل چهارزن با یک شیوه به قتل رسیده‌اند و مسؤولیت رسیدگی به تمامی آن پرونده‌ها را برعهده گرفت. هرچند وی پس از دستگیری سعید حنایی به یاد آورد که بارها هنگام کشف اجساد او را دیده و حتی او در مورد گسترش فساد در شهر مشهد صحبت کرده است. در هر حال، قاضی هوشمند و با نفوذ ویژه قتل، پس از تشکیل پرونده شانزدهمین قتل توانست قاتل را دستگیر کند.

شاید درایت قاضی منصوری یکی از عواملی بود که اطلاعات پرونده بیشتر از سوی نیروی انتظامی منتشر می شد. تیمسار حامد در اولین گفت و گوی خبری خود در زمینه قتل زنان در مشهد گفت: در اجساد پیدا شده هیچ گونه آثاری از مقاومت در برابر قاتل یا قاتلان که حکایت از زد و خورد و جراحت ناشی از آن باشد، وجود ندارد و حدس ما این است که قاتل یا قاتلان علی الظاهر برای مسائل منکراتی و با ابراز تمایل ظاهری به اعمال منافی عفت آنها را به محل وقوع قتل می کشاندند و بدون هیچ گونه عملی آنها را به قتل می رساندند.

وی افزود: گزارش های پزشکی قانونی نشان می دهد که به مقتولان قبل از قتل تجاوز نشده است. علاوه بر این به دلیل مشابهت و نوع قتل ها و نحوه کشف اجساد و همچنین سابقه منکراتی مقتولان، این ذهنیت به وجود آمده است که این قتل ها با انگیزه و تفکر خاصی صورت گرفته است.

حامد تأکید کرد: اولیاء دم و اقوام مقتولان نیز تاکنون نتوانسته‌اند در شناسایی عامل یا عاملان قتل ها ما را کمک کنند. ولی همه آنها اتفاق نظر دارند که مقتولان معتاد، منحرف و ولگرد و از خانواده طرد شده بودند.

همزمان با کشف دوازدهمین جسد، اطلاعات دقیقی در مورد مقتولان منتشر شد و اعلام شد اجساد زنان به قتل رسیده که به طور یکسان توسط روسری خفه شده و در چادر پیچیده شده‌اند، در اطراف مشهد و در زمین های خاکی و کانال رها شده بودند.

اطلاع رسانی آگاهان پرونده در حالی صورت می گرفت که پس از وقوع شانزدهمین قتل و دستگیری قاتل، اکثر گفته های او با سخنانی که پنج ماه پیش فرمانده نیروی انتظامی مطرح کرده بود، انطباق یافت. سعید حنایی بنای ۳۹ ساله‌ای که قتل شانزده زن را برعهده گرفت، در اولین اعترافات خود که پیش از بازجویی فنی صورت گرفت گفت: تمامی مقتولان به دلیل فقر و استفاده از مواد مخدر، توان مقاومت در برابر او را نداشته‌اند و بدون کمترین مقاومتی به قتل می رسیده‌اند.

حنایی انگیزه خود را برای به قتل رساندن زنان گسترش فساد در مشهد اعلام کرد و گفت که با تمامی مقتولان در قالب یک مشتری ارتباط برقرار کرده و آنها را برای انجام اعمال منافی عفت به منزل خود برده و در اولین فرصت به قتل رسانده است.

وی همچنین تأکید کرد که هیچ گونه رابطه جنسی با آنان برقرار نکرده است. حنایی بدلیل عدم برقراری رابطه را دارا بودن همسر و ترس از بیماری آنها عنوان می کرد. علاوه بر این وی اعلام کرد دوستانی دارد که در صورت تمایلش می توانستند برای او همسر صیغه‌ای فراهم کنند و در این شرایط نیاز به برقراری رابطه با این گونه زنان را نداشته است.

حنایی در دادگاه رسیدگی به اتهاماتش که به ریاست قاضی منصوری تشکیل شد. نحوه قتل اولین زن را چنین توضیح داد: ایشان از یک ماشین پیاده شد. برای من این تیپ ها مشخص بود، اصلاً ردخور نداشت. در این جمع اگر سابقه اش را داشته باشید یک نفر آدم درست و حسابی نبود و برای من خیلی مشخص بود این چه کاره است. بعد صحبت کردیم. اول می گفت من تا حالا با موتور جایی نرفتم. من گفتم که تو می خواهی پول بگیری، دیگر چه کار داری که با ماشین باشد یا با موتور. راضی شد، سوار موتور شد و به اتفاق رفتیم منزل ... در مرحله اول خودش را برای من برنامه‌ای که طبق معمول اکثر زن های خیابانی دارند آماده کرد. من داخل آشپزخانه رفتم. بعد از دو سه دقیقه که برگشتم. بایک تماس دو سه ثانیه‌ای کار را تمام کردم... اول این را می خواستم در حیاط در باغچه چال کنم. در انباری مان موکتی داشتیم موکت را پهن کردیم و گذاشتیم روی موکت و طناب پیچ کردیم و گذاشتیم ترک موتور، در آن منطقه خین عرب که به اتفاق رفتیم، آنجا او را رها کردم.

سعید حنایی نیم ساعت بعد مجدداً سر صحنه قتل بازگشت و برای حمل جنازه به سربازان نیروی انتظامی کمک کرد. پس از انتقال جنازه به آمبولانس، سوار بر آمبولانس به محل پزشکی قانونی رفت و چون اجازه ندادند که وارد شود، به انتهای کوچه پزشک قانونی رفت و گردنبند و انگشتر مقتول را با چهار لنگه النگوی دخترانه عوض کرد!

هر چند بارها و بارها از سوی مراجع مختلف قضایی اعلام شد که تمامی مقتولان دارای سابقه کیفری هستند اما زمانی که سعید حنایی در جلسه اول دادگاه این سخنان را در مورد مقتول اول بر زبان می آورد، مقتول هنوز فاقد پرونده کیفری بود. بالاخره در آخرین جلسه محاکمه سعید حنایی که به صورت غیر علنی برگزار شد، دو تن به جرم رابطه نامشروع با مقتول اول محاکمه و محکوم شدند.

اولین جلسه محاکمه سعید حنایی در شرایطی برگزار شد که عبدالله فراهانی، وکیلی که برای دفاع از حنایی از تهران به مشهد رفته و داوطلب انجام این کار شده بود، سمت چپ و احمد شکری وکیلی که در جلسه سوم به عنوان وکیل تسخیری حنایی معرفی شد - سمت راست حنایی نشسته بودند. وکلای تعیینی و تسخیری حنایی زمانی بحث انگیز شدند که فراهانی، جلسه دوم دادگاه را با استعفای غیر مترقبه خود به تعطیلی کشاند و به بهانه بیماری قلبی دستور استراحت مطلق از سوی پزشکان به تهران بازگشت. یک هفته بعد دادگاه احمد شکری را به عنوان وکیل تسخیری سعید حنایی معرفی کرد و دفاع از پرونده را به او سپرد، پرونده‌ای که بحث های حقوقی مختلفی در مورد آن مطرح شده بود.

یکی از مباحثی که پس از دستگیری حنایی مطرح شد و با گفت‌وگوهای فراهانی به اوج خود رسید، طرح بحث مهدورالدم بودن مقتولان بود. فراهانی در پایان جلسه اول دادگاه اعلام کرد که برای گرفتن حکم تبرئه سعید حنایی به ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی استناد خواهد کرد. تبصره دو این ماده صراحت دارد: در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بردادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است، قتل به منزله خطا شبیه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است.

قاضی منصوری در این زمینه معتقد است: مهدورالدم بحثی فقهی و حقوقی است که تشخیص آن خود مبحثی بسیار جدی است. سعید حنایی که کارگری است با تحصیلات ابتدایی بدون مطالعه فقهی آیا می تواند مهدورالدم بودن افراد را تشخیص دهد؟ در حالی که حتی علم قاضی به مهدورالدم بودن افراد باید از طرق متعارف حاصل شود، علاوه بر این حنایی بارها تأکید کرد که من هیچ یک از این زنان را نمی شناختم و پس از قتل آنها از طریق روزنامه ها از سوابق آنها باخبر می شدم. بدین ترتیب اصلاً بحث مهدورالدم بدون مقتولان در پرونده مطرح نشد و حتی مورد بررسی نیز قرار نگرفت.

پس از این که دفاع از پرونده به شکری سپرده شد، وی شیوه دیگری را برای دفاع از سعید حنایی برگزید، شکری با ارائه کارت معافیت از خدمت سعید حنایی که در سالهای اوج جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به دلیل جنون وی صادر شده بود، بحث جنون ادواری سعید حنایی را مطرح نمود، با این توضیح که وی دچار توهم و هذیان است که نوعی جنون محسوب می شود.

دکتر حجازی، مدیرکل پزشکی قانونی استان خراسان پیش از آنکه به عنوان کارشناس در دادگاه قسم یاد کند که جز حقیقت چیزی بر زبان نخواهد آورد، در مورد بیماری توهم و هذیان گفت: این بیماری نوعی جنون است. مثلاً هذیان سوءظن یا بدبینی در بعضی از خانواده ها رواج داشته و منجر به همسر آزاری و یا اعمال شدیدی از این دست می شود و در حقیقت اعمال آنها به دنبال تفکر و یا محتوای فکر هذیانی است که تحت اراده و کنترل آنها نیست.

وی در توضیح نوع رفتار این بیماران گفت: اینگونه بیماران نسبت به برخی از مسائل سوءظن دارند و بدبین هستند. مثلاً ممکن است به همسر خود بدبین شوند، اما غالب این افراد از عملکرد اجتماعی مطلوبی برخوردار هستند و گاهی نیز از تحصیلات بالا برخوردار بوده و جایگاه اجتماعی مهمی در جامعه دارند و مشغول خدمت هستند.

دکتر حجازی با اشاره به ماده ۱۲۱۱ قانون مدنی که صراحت دارد: جنون در هر درجه که باشد موجب حجر است توضیح داد: در این ماده قانونی و مواد قانونی دیگر مربوط به جنون، هیچ گونه تعریف و یا صحبتی درخصوص بیماران هذیانی و توهمی نشده است و من فکر می کنم قانون در این رابطه اشکال دارد و پزشکان قانونی برای اظهارنظر در این رابطه با توجه به مواد قانونی موجود دچار مشکل هستند و باید اینگونه موارد قانونی بازنگری و اصلاح شود.

اما دکتر حجازی در چهارمین جلسه دادگاه نظر بر عدم جنون سعید حنایی داد و گفت: وی با علم و اختیار کافی این زنان را به قتل رسانده است. در همان جلسه سعید حنایی خطاب به پزشکان گفت: اگر این دکترها که می گویند من سالمم، یک ماه با من باشند، می فهمند که من چه کارهایی می توانم بکنم.

شکری نیز در جلسه دادگاه گفت: طبق ماده ۸۳ آیین دادرسی کیفری و طبق ماده ۸۹ همان قانون، قاضی می تواند در صورت لزوم به یک پزشک اکتفا نکرده و از چند پزشک دعوت کند. پزشک معالج مستثنی نخواهد بود. پس طبق این ماده قاضی اختیار دارد نظر سایر پزشکان را بخواهد و باید پزشکان معالج متهم در کمیسیون پزشکی حضور می داشتند. بحث دیگر این است که کمیسیون پزشکی اظهارنظر کرده ایشان درحال حاضر سالم است، اما مسأله این است که جنون درحال ارتکاب جرم مهم است.

زیرا اگر وی در حال جنون مرتکب جرم شده باشد، قاضی باید ختم دادرسی را اعلام کند.

اما نه تنها در حکم دادگاه بدوی به این سخنان شکری وقعی ننهادند بلکه حتی قضات دادگاه تجدیدنظر نیز به این موضوع اهمیتی ندادند، هر چند حنایی در آخرین دفاع خود گفت: بیماری من جنون ادواری آنی است. من اقرار می کنم که ۱۶ نفر را کشته‌ام اما انگار ۱۶ سوسک را کشته‌ام. چطور یک آدم سالم می تواند ساعت هشت شب یک نفر را بکشد و ساعت ده شب در همان اتاق بخوابد. چه کسی جرأت می کند حتی یک ربع با یک جنازه تنها بماند. من واقعاً در حال خودم نبودم. وقتی زنان خیابانی را می دیدم و از جبهه یادم می آمد، واقعاً دگرگون می شدم.

پس از پایان محاکمه سعید حنایی، قاضی منصوری حکم وی را با اتهامات ۱۶ فقره قتل عمدی، رابطه نامشروع و اعمال منافی عفت، هفت فقره سرقت، جعل عنوان مهر و کارت امربه معروف و نهی از منکر و استفاده از سند مجعول چنین صادر کرد: در خصوص اتهام آقای سعید حنایی فرزند علی اصغر ۳۹ ساله- بنا- با سواد و دارای مدرک تحصیلی پنجم ابتدایی اهل و ساکن مشهد مقدس، شیعه، تبعه ایران، دارای سابقه کیفری، متأهل، بازداشت موقت از تاریخ ۸۰/۵/۴ دایر بر ۱۶ فقره قتل عمدی به یازده بار قصاص نفس محکوم شد.

در رأی آمده بود: با توجه به بخشنامه شماره ۸۰/۴/۲۸-۱/۸۰/۷۵۵۹ ریاست محترم قوه قضائیه و استعلام ریاست محترم کل دادگستری استان به شماره ۸۰/۶/۵-۱۶۷۳۱/ز از ریاست محترم قوه قضائیه و اعلام نظر معظم له (ریاست محترم قوه قضائیه)به نمایندگی از طرف ولی فقیه در هامش نامه مذکور بدین شرح «طبق استفتایی که از امام راحل بیان شد و نظر اکثر فقها فعلی نیز همین است در مورد تعدد مقتوله و خواستن قصاص از طرف همه آنها پرداخت فاضل دیه لازم نیست.»

حنایی همچنین به پرداخت چهارفقره دیه کامله زن مسلمان به اولیای دم مقتولانی که تقاضای دیه کرده بودند محکوم شد.

قاضی منصوری در خصوص اتهام دوم حنایی دائر بر ارتکاب سیزده مورد زنای محصنه با مقتولین چنین انشاء رأی نمود: هر چند که متهم نزد مأموران و نیز یک بار در محضر دادگاه اقرار صریح و روشن به انجام عمل زنا نمود و حتی نزد مأموران جزئیات را هم بیان نموده است و هرچند که پزشکی قانونی محترم وجود اسپرم را در البسه و بدن بعضی از مقتولین تأیید نموده به طوری که با آزمایش گروه خونی در اسپرم با گروه خونی متهم همخوانی داشته و لیکن نظر به این که متهم در سایر مراحل دادرسی منکر عمل زنا با مقتولین شد و از طرفی در ثبوت زنا چهار بار اقرار لازم است، لذا بنابر مراتب فوق و به علت کفایت دلیل و با استناد اصل اصالت البرائه موضوع اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی حکم بر برائت وی صادر و اعلام می گردد. لیکن اتهام وی در حد رابطه نامشروع و انجام اعمال منافی عفت غیر از زنا با توجه به مجموع محتویات پرونده و اقرار متهم به این که مقتولان را به خاطر انجام رابطه نامشروع به منزل می برده و با آنها خلوت داشته و رابطه برقرار می کرده و از آنها می خواسته خود را برهنه نمایند و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده محرز است مستنداً به ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم می گردد.

علاوه بر این سعید حنایی به جرم شش فقره سرقت اموال مقتولان شامل پول و طلاهای مقتول ردیف اول و ... مستنداً به مواد ۱۹۷ و ۶۶۱ و ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی با رعایت ماده ۴۷ قانون مزبور به تحمل دو سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق و رد اموال مسروقه به اولیاءدم مقتولان محکوم شد.

وی در مورد اتهام جعل مهر و کارت امر به معروف و نهی از منکر بسیج سپاه پاسداران و جعل عنوان مأمور امر به معروف و نهی از منکر بسیج سپاه پاسداران و نیز استفاده از سند مجعول به استناد ماده ۵۳۶ و ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی به تحمل دو سال حبس بابت جعل کارت و تحمل دو سال حبس تعزیری بابت جعل عنوان و پرداخت ده میلیون ریال جزای نقدی بابت استفاده از سند مجعول محکوم می گردد.

پس از گذشت ۱۹ روز از اعلام رأی قاضی منصوری، شکری وکیل تسخیری وی لایحه تجدیدنظر خود را تقدیم دادگاه کرد. وی به این ترتیب لایحه خود را به پایان برد: یکی از ارکان عمده جرایم، انگیزه است که در موارد متعدد توسط مقنن مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. در قانون مجازات اسلامی نیز وجود انگیزه شرافتمندانه یکی از علل و عوامل تخفیف مجازات در جرایم تعزیری می باشد. این موضوع در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی نیز که ارتکاب قتل عمدی را به استناد مهدورالدم بودن مقتول در صورت اثبات، غیرقابل مجازات می داند، مورد توجه مقنن قرار گرفته است. بدیهی است نمی توان فردی را که با انگیزه شرافتمندانه یا با اعتقاد به مسائل مذهبی و موارد مشابه مرتکب عملی می شود که دارای وصف مجرمانه است، همانند کسی که با انگیزه شخصی مرتکب عمل می شود، مساوی و برابر داشت. اگر به اقاریر و بازجویی های متهم و نیز مصاحبه های وی با جراید توجه شود، ملاحظه می گردد که ایشان همه جا، هدف خود را رفع فساد از جامعه و اصلاح آن و استحقاق مقتولان به سرنوشتی که دچارش شده‌اند اعلام داشته است... بلاتردید آنچه از اوراق پرونده استنباط می شود این است که هدف متهم نه سرقت بوده است نه سوء استفاده جنسی، چون هیچ یک از این مسائل مستلزم قتل این همه انسان نبوده است و متهم به راحتی می توانسته به امیال خود برسد با عنایت به مراتب فوق، به ویژه مراتب مربوط به اسارت متهم در چنگال جنون شدید، وجه تضاد بسیار شدید درگفتار و کردار، خود بزرگ بینی بسیار شدید وی و ادعاهای نامعتدل و غیرمنطقی از قبیل طراحی هلی کوپتر و اتومبیل وغیره ، اعتقاد شدید به رسالت برای اصلاح جامعه و رفع مفاسد از جامعه، اعلام موارد قتل به مأموران انتظامی و شرکت در حمل اجساد و حضور در اکثر مکان های وقوع قتل هاو با توجه به وجود اعتقاد مذهبی شدید و فقدان انگیزه های شخصی و سودجویانه در ایشان، درخواست تشکیل کمیسیون پزشکی مجدد، با حضور پزشک معالج، و با مطالعه سوابق مربوط به بیماری روانی در بیمارستان روانی بستری می شود و سپس تقاضای صدور حکم شایسته را دارم.

گویا لایحه تجدید نظر شکری، هیچ تأثیری در روند پرونده نداشت زیرا دادگاه تجدید نظر با تأیید حکم، بر ۱۲ بار اعدام و... مهر تأیید زد. گفته می شود، پیش از حلول سال نو، استیذان اجرای حکم نیز از آیت‌الله شاهرودی دریافت شده اما با توجه به بخشنامه‌ای که از دادگاه اجرای احکام خواسته است.از ۱۵ اسفند ماه تا ۱۵ فروردین ماه هیچ حکم اعدامی اجرا نشود، اجرای حکم به پس از ماه محرم موکول شده است. علاوه بر این باید بار دیگر تمامی اولیای دم که تقاضای قصاص کرده‌اند، برای تقاضای اجرای حکم به دادگاه اجرای احکام مراجعه کنند. این سؤال باقی است که برگزاری این تشریفات تا پایان ماه محرم اتمام خواهد یافت؟ آیا اولیای دم بر نظر خود در مورد قصاص سعید حنایی پافشاری خواهند کرد؟ شنیده شده که دو تن از اولیای دم در قبال دریافت سه میلیون تومان حاضر به گذشت از حق قصاص خود شده‌اند، و آیا مدعی العموم به عنوان ولی قهری پنج تن از صغار همچنان مصلحت صغار را در تقاضای قصاص تشخیص خواهد داد؟

قاضی منصوری اولین قاضی بود که پس از شنیدن سخنان مبهم دایره تشخیص هویت مبنی بر این که چندین زن با یک شیوه به قتل رسیده اند، این سخنان را پیگیری کرد و پی برد که لااقل چهارزن با یک شیوه به قتل رسیده اند و مسؤولیت رسیدگی به تمامی آن پرونده ها را برعهده گرفت

آیا اولیای دم بر نظر خود در مورد قصاص سعیدحنایی پافشاری خواهند کرد؟ شنیده شده که دو تن از اولیای دم در قبال دریافت سه میلیون تومان حاضر به گذشت از حق قصاص خود شده اند، و آیا مدعی العموم به عنوان ولی قهری پنج تن از صغار همچنان مصلحت صغار را در تقاضای قصاص تشخیص خواهد داد؟